

بانک خاموش

نوشته‌هایی درباره
شاهنامه و فردوسی،
مولانا و آریستو

نگارخانه
بسر نگاه معاصر

نوفیق. ه. سدحانی

فهرست

۵ □ دربارهٔ این اثر

بخش اول

۱۱	گویی شاهنامه تاریخ همه ملّت هاست
۲۳	تاریخ نظم شاهنامه
۳۵	حکیم طوس و شاهنامه
۵۷	فردوسی، شاهنامه و پیام آن
۸۵	عفت بیان در شاهنامه فردوسی
۹۵	لغت شاهنامه
۹۹	شاهنامهٔ نُداری
۱۰۳	فرامرنامه

بخش دوم

۱۰۹	ناریبی مکتوبات مولانا حلال الدین بلخی رومی و نقد ندهای آن
۱۲۹	نارتات محیط جغرافیایی در ربان و بیان مولانا
۱۴۷	نگذارید شمس تریری باشد
۱۵۵	حسام‌الدین چلبی و حایگاه او
۱۶۹	حیات و ممات شمس
۱۷۹	دربارهٔ دیوان کبیر

- ۱۹۹ گفتم ر کحایی تو؟
 ۲۰۷ مشوی
 ۲۱۵ مشوی و اسلوب آن
 ۲۱۷ مولانا حلال الدین و شمس تریری
 ۲۵۷ مولوی و آثار او ...
 ۲۶۷ شان برحی اندیشه‌های تصوّف ایرانی، به ویژه مشوی در اندیشه‌های مهاتما گاندی
 ۲۷۹ فراسوی افسانه و افسون

بحش سوم

- ۲۹۵ حاحی نکتاش ولی و طریقت نکتاشیه
 ۳۱۳ سبک بیان ملاصدرا در رساله سه اصل
 ۳۲۱ شیعیان و نکتاشیان در قرن دهم / شابردهم
 ۳۸۱ فرهنگ اصطلاحات شیخ اشراق
 ۳۸۷ صوفیان بحستین در ادبیات ترک
 ۳۹۱ یوس امره و شطحیه‌گونه او و شرح بیاری مصری بر آن
 ۳۹۵ شرح بطق یوس امره
 ۴۰۷ یوس امره بر سر حواص مولوی و سعدی
 ۴۲۱ درباره سیرت شیخ ابوبکر ابوعبداللّه بن حفیف شیرازی

گویی شاهنامه تاریخ همه ملّت‌هاست

با نگاهی به ترجمه مطوم شریفی از شاهنامه^۱

شاهنامه با آنکه از نظر صور خیال ترجمه‌ناپذیر است، محتوای آن طوری است که تاکنون به بسیاری از زبان‌ها ترجمه شده است. اصولی که فردوسی خود بدان‌ها معتقد بوده، پیح اصل است که در حای حای شاهنامه تکرار شده است. ترکی رباعی است که دوازده ترجمه از شاهنامه از آن زبان در دست است. شاهنامه در دربار پادشاهان ترک خوانده می‌شد. دانشوران ترک فردوسی را بزرگ می‌داشتند. شریف معروف به شریفی از شاعران سده دهم هجری شاهنامه را در بحر هرح مسدّس (مفاعیل مفاعیل مفاعیل یا فعولن) به ترکی ترجمه کرده است.

کلیدواژه شاهنامه، تاریخ، ترجمه‌های شاهنامه، شریفی

معروف است و تردیدی در آن نیست که شاهنامه تاریخ ایران است از ابتدای پیدایش اولین بشر و اولین شاه و انقراض آن شاهی به دست عرب. شاهنامه تاریخ ایران است به آن ترتیب که مردم ایران خواسته‌اند چنان باشد ایرانیان خواسته‌اند اصل و منشأ خود و ندو پیدایی شاهان را در میان خود و کیفیت کشف یا اختراع وسایل تمدن را به وسیله نیاکان خود ندین زبان بیان کند. وقایع بزرگ در شاهنامه از روی روایات ملّی ایرانیان به رباعی شاعرانه تحریر یافته و تدوین شده است.

اما از روری که شاهنامه به زبان‌های اروپایی ترجمه شده، با آنکه دقیق و طریاف فکری و هنری شاهنامه در ترجمه انتقال‌پذیر بوده، ادب‌شناسان اروپایی پیام‌های اسسانی

و لطایف اندیشه فردوسی را بیک دریافته‌اند و آن را از شاهکارهای ادبی و فکری جهان شمرده‌اند. یان ریپکا، حاورشناس نامدار چک، درباره شاهنامه نوشته است «حقیقتی مسلم است که در پهنه گیتی هیچ ملت دیگری دارای یک چنین حماسه عظیمی نیست که مشتمل بر تمام سنت‌های تاریخی وی از دوران تاریک اساطیر تا اواسط سده هفتم باشد»

شاهنامه واقعاً سند تاریخی ناارزشی است که سنت‌های گذشته را با بهایت امانت حفظ کرده با وجود همه خیال‌پردازی‌ها و محارهایی که در آن به کار رفته، از حقایقی پرده برمی‌دارد که نه تنها برای تاریخ بلکه برای سرآغاز تاریخ و بررسی حوامع ابتدایی بشری هم حائز اهمیت است^۲

فردوسی در همه حای شاهنامه و همیشه بر پیح اصل تأکید کرده است و پیوسته آن پیح اصل را به همه انلاع می‌کند

۱ حداشناسی و دیداری
 شاید حور و حواب و ناآن نشست که هستو باشد به یردان که هست
 دلش کور باشد، سرش بی‌حرد حردم‌شدش از مردمان بشمرد^۳
 ۲ حردورزی حرد معیار ارش‌هاست فردوسی اولین آفریده را حرد می‌داند
 بحست آفریش حرد را شناس نگاهان حان است و آن سه‌پاس^۴
 ۳ داد، داد در شاهنامه حفظ نوعی توارن در کل حیات است
 به دسار کم نار و بحشده باش همان داد ده باش و فرحده باش^۵
 ۴ نام، نام بماد بلوع و رشد و والایی اسنان ایرانی است در شاهنامه بر افراد رمانی نام می‌بهد که نه بلوع روحانی و حسمانی رسیده باشد
 نه نام خداوند حان و حرد کریس برتر اندیشه برنگردد
 خداوند نام و خداوند حای خداوند روری ده رهمای^۶
 ۵ شادی در شاهنامه به مفهوم تحرک و مطلق رصایت ارهستی و سارگازی نا تداوم سروشت است
 تو دل را به حرشادمانه مدار روان را به بد در گمانه مدار^۷

سحس گفتش بعرو کردار بیک نگردد کهن یا جهانست زیک^۸
 اگر دل توان داشتن شادمان حرار شادمانی مکن تا توان^۹
 شاهنامه را قریب دو بیست سال پس از وفات فردوسی فتح بن علی بن محمد نُداری اصفهانی از سال ۶۲۰ تا ۶۲۱ هـ، به درخواست ملک معطم عیسی بن ملک کامل ابوبکر ایوب به عربی ترجمه کرده است او یکی از فرزندان صلاح‌الدین ایوبی بوده که از سداری ترجمه شاهنامه را حواستار شده است

شاهنامه به آن دلیل که فردوسی در سرایش آن آعار پیدایی بشر را در نظر داشته، از سوی همه مردم جهان مورد توحه قرار گرفته است، چنان‌که گویی همه ملت‌ها آن را تاریخ خود انگاشته‌اند و آن را به طور کامل یا منتحب به ریان خود ترجمه کرده‌اند. شاهنامه به ریان‌های آلمانی، اردو، ارمی، انگلیسی، اربکی، اوکرایسی، ایتالیایی، سگالی، پشتو، ترکی، چکی، دانمارکی، روسی، رومانیایی، ژاپی، سوئدی، صربی، عربی، عری، فرانسوی، کردی، گجراتی، گرجی، لاتین، لهستانی، محاری، هندی و یونانی ترجمه شده است

از دیگر ترجمه‌های کتاب صرف نظر می‌کنیم این کتاب تا آنجا که من می‌دانم، و اگر تحقیقی حدید یا ترجمه‌یی حدید از آن تهیه شده باشد، بی‌اطلاعم، تاکنون ۱۲ ترجمه از کل کتاب یا متحبات آن به ریان ترکی فراهم آمده است

۱ ترجمه به نثر ترکی (ناشناس) در ۸۵۴ هـ (فلوگل، فهرست وین، ۴۹۵، قراطای
 فهرست تویقاپوسرای، ۲ ش ۲۱۵۴، بلوشه فهرست ترکی پاریس، ۲۲۰) (۲)
 ۲ ترجمه مطوم شریعی (سمیرف، فهرست ترکی پترورگ، ص ۸۲-۸۷، قراطای،
 تویقاپوسرای، ش ۲۱۵۵) در این باره به ردیف ۱۱ در صفحه بعد نگاه کنید
 ۳ ترجمه به نثر در اوایل قرن ۱۱ هـ (بلوشه فهرست ترکی، پاریس، ۱۳۱۲)
 ۴ متحبات شاهنامه، کمال، استانبول، ۱۲۸۱ ق، سگی، ۹۶ ص
 ۵ متحبات شاهنامه فردوسی، حسین حیری پاشاراده، استانبول، ۱۳۰۶ ق، ۲۲۳ ص
 ۶ شاهنامه فردوسی دن آتا و اوغول، رستم و سهراب حکایه سی رشیدبیک افسدی راده،
 علیس، ۱۹۰۶ م، ۵۶ ص
 ۷ مصور رستم و سهراب، ناظر، عئاس غایب راده (مترجم)، تعلیس، ۱۳۲۶ ق / ۱۹۰۸ م،
 ۱۱۹ ص

رگیتی دو چیرست حاوید بس دگر هرچه باشد نماند به کس